



تاریخ دریافت مقاله: ۹۰/۳/۱۱

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۱/۴/۱۹

## آسیب‌شناسی منظر محیطی در محدوده‌های سکونت‌گاهی

### پیرامون باغ‌های تاریخی

### براساس مطالعات انجام‌شده در منطقه فین کوچک

رضا ابوئی\* حمیدرضا جیحانی\*\*

#### چکیده

منطقه «فین کوچک»، در دوران حیات خود، با داشتن شرایط محیطی دلنشین، از اقامت‌گاه‌های سلطنتی، با عالی‌ترین سطح برخوردار بوده و به‌استناد متون تاریخی، بیلاقی برای کاشان به‌شمار می‌رفته‌است. تغییرات گسترده دهه‌های اخیر در سکونت‌گاه‌های حومه شهرها، این منطقه را از آسیب بی‌نصیب نگذاشته و دشواری‌های برآمده از همجواری با شهر، چالش‌های جدید دیگری را برای آن پدیدآورده‌است. در شرایط فعلی، بخش عمده‌ای از این ارزش‌ها، در معرض تغییرات وسیع و آسیب‌های جدی قراردارند.

منظر شهری، از حوزه‌هایی است که تغییرات درون و پیرامون یک پدیده شهری را آشکارا در خود نمایان می‌سازد. لذا، این پرسش مطرح می‌شود که آیا مطالعات منظر در محیط یادشده، می‌تواند علاوه بر شناخت آسیب‌های حوزه منظر، لایه ژرف‌تری از چالش‌های منطقه را نشان دهد.

هدف این مقاله، بنابر آنچه گفته‌شد، مطالعه آسیب‌شناسانه منظر محیطی و سیمای منطقه‌ای فین کوچک است. ازین‌رو، در پژوهش حاضر، تلاش شده تا از یافته‌های به‌دست آمده برای سنجش آسیب‌های واردشده به مفاهیم اصلی شکل‌گیری منطقه، بهره‌جویی شود. مطالعاتی که چگونگی منظر شهری و تصویر شهر را در ذهن مردمان ایجاد می‌کنند، به‌لحاظ امکان انجام‌پذیری و نیز به‌دست آمدن نتایج قابل اعتماد، از جایگاه قابل توجهی برخوردارند. بااین‌همه، هماهنگ کردن روش‌های مطالعاتی یادشده با ویژگی‌های سکونت‌گاه‌های خاصی همچون نمونه برگزیده و تلاش برای بومی‌سازی این روش‌ها، ضرورت نگاشتن چنین پژوهش‌هایی را گوشزد می‌کند.

سنجش منظر محدود سکونت‌گاهی فین، براساس مطالعات انجام‌شده از سوی «پاول دی‌اسپرای رگن» و بررسی وضعیت موجود تصویر ذهنی منطقه، نزد مردم، براساس نظریه «کوپن‌لینچ» از بخش‌های اصلی این تحقیق هستند. در ادامه، یافته‌های تحقیق نسبت به درون‌مایه‌ها و اهداف بصری طرح که «سایمون بل»، معرفی می‌کند، بررسی خواهند شد تا آسیب‌های واردشده به محتوای منظر یادشده، شناسایی شوند.

**کلیدواژگان:** منظر، آسیب‌شناسی، فین، سیمای شهری، منظر شهری.

\* استادیار، دانشکده مرمت، دانشگاه هنر اصفهان.

\*\* دانشجوی دکتری رشته مرمت، دانشکده مرمت، دانشگاه هنر اصفهان (نویسنده مسئول).



## مقدمه

منطقه فین کوچک، در دشتی شیبدار و سمت بالادست کاشان قرار گرفته است. چشمه تاریخی «سلیمانیه» و بقایای تمدن سیلک و آثار تاریخی موجود در خود فین، گویای تاریخی بودن آنجاست. نخستین اشارات به منطقه فین در کتاب «تاریخ قم»، قرن چهارم هجری قمری، صورت گرفته که آن را به «بشتاسپ» نسبت می‌دهد (قمی، ۱۳۸۱: ۷۷) و پیشینه‌ای دورتر از زمان نگارش کتاب را برای آن یادآور می‌شود. در متون دوره صفوی، از این منطقه، بیشتر یاد شده است؛ در «تاریخ الفی» از فین نام برده شده (تتوی و همکاران، ۱۳۷۸: ۷۳۸)، «واله اصفهانی» نیز در شرح اقامت شاه صفی (سال ۱۰۵۰ ه.ق)، به عمارت خلدائین چشمه فین اشاره می‌کند (واله اصفهانی، ۱۳۷۹: ۳۰۰). کلانتر ضرابی در «تاریخ کاشان»، که آن را هم‌زمان با سلطنت ناصرالدین‌شاه نگاشته، مفصل، درباره باغ فین، باغ کهنه، سردر باغ و خیابان روبه‌روی آن، سخن می‌راند. وی به کلاه‌فرنگی باغ که زمان شاه صفی، بر بام کوشک ساخته شده و برای تماشای فین و کاشان و کل توابع آن تا «دریاچه نمک» و «سیاه‌کوه»، بر آن می‌رفتند، اشاره می‌کند (کلانتر ضرابی، ۱۳۵۶: ۷۴).<sup>۱</sup>

در شکل‌گیری منطقه، آب نقشی اساسی داشته است، به‌گونه‌ای که باغ فین نیز که اواخر قرن دهم هجری قمری بنا شده، بر محل مظهرخانه این چشمه، تکیه زده است. پیش از باغ فعلی، باغی دیگر که از آن با نام «باغ کهنه»، یاد شده و بقایای آن اکنون نیز هست، در این ناحیه بوده است. بر گرد باغ فین، مجموعه‌ای از باغ‌ها با نظامی ارگانیک، سازماندهی شده‌اند. این مجموعه، شامل حجم اندکی - در نسبت با باغ‌های دیگر - از سکونت‌گاه‌ها به شکل باغ‌های سکونت‌گاهی، خانه‌باغ‌ها و خانه‌ها است. پیرامون تمامی مجموعه باغ‌ها، حجم قابل توجهی از مزرعه‌ها دیده می‌شود. این توصیفات، بیانگر شکل اصیل منطقه است.<sup>۲</sup> منطقه فین، نخستین مرتبه، با خیابانی که پیشینه ساخت آن به نیم قرن پیش می‌رسد، با چالش مواجه شد. با توجه به روند شتابان توسعه در یک دهه اخیر، این چالش سبب شد تا چهره منطقه در حال تغییر کلی باشد.

مقاله حاضر، با نگاهی محدود به وضعیت اصیل و امروزی و مسیری که در حال گذار از آن هستیم، آسیب‌های عمده پیش‌رو را از دیدگاه منظر و محیط، بررسی کرده است.

در این پژوهش، با در نظر گرفتن مفاهیمی چون «منظر شهری»<sup>۳</sup> و «سیمای شهری»<sup>۴</sup> و با توجه به یکپارچگی ذاتی منطقه فین با بستر لم‌یزرع پیرامون آن، مفاهیم گسترش‌یافته‌ای مانند منظر و سیمای محیطی کاربرد یافته‌اند. گسترش معنایی و کارکردی دقیق‌تر و نیز پرداختن به منطقه با جزئیات بیشتر که بسیار مفید هم خواهد بود، در فرصتی دیگر بررسی می‌شود.

## طرح مسأله

تغییرات صورت گرفته و در حال انجام در ساختار فضایی و اندام‌های بافت، همراه دگرگونی‌هایی که در مقیاس فراتر از بافت، در پهنه‌های جغرافیایی پیرامون، رخ داده و اکنون نیز در جریان است؛ بخش بزرگی از دشواری‌های منطقه فین کوچک است (جیحانی و همکاران، ۱۳۸۸: ۶۲-۶۰). تأثیر بخشی از این تغییرات در مواجهه با منظر، قابل فهم است لیکن اکنون، این پرسش مطرح می‌شود که حدود دقیق‌تر این تأثیرات در کدام یک از حوزه‌هاست.

بنابراینچه گفته شد، این مقاله درصدد پاسخ‌گویی به این پرسش است که مطالعه منظر و جنبه‌های منظر و بصری یک محیط تاریخی که در چارچوبی ارگانیک و در عین حال برنامه‌ریزی شده، شکل گرفته و اساس آن را فضاهای باز تشکیل می‌دهد، به‌طور دقیق‌تر، چه آسیب‌هایی را در محیط یادشده معرفی می‌کند. به دیگر سخن، مقاله پیش‌رو، در پی پاسخ دادن به این پرسش است که آیا شناخت عمیق‌ترین آسیب‌های یک محدوده که ساختاری مبتنی بر منظر دارند، با مطالعه منظر و تصویرهای آن امکان‌پذیر است. از این‌رو، در بخش عمده‌ای از این پژوهش، منظر و ارزیابی بافت از دیدگاه منظر و سیمای شهری بررسی شده است.

مطالعه منظر و یا ابعاد متفاوت ادراک آن، از روش‌های مطالعه شهر و محدوده‌های شهری است. گرچه این موضوع، بحث اصلی «ادموند بیکن»<sup>۵</sup> در کتاب «طراحی شهرها»<sup>۶</sup> نیست اما وی در بخشی از کتاب، با اشاره به مشارکت عناصر درون فضا، به بررسی مسأله آگاهی از فضا، به‌عنوان یک تجربه، می‌پردازد. وی همچنین، مواردی را برمی‌شمرد که به‌طور مشخص در منظر شهر قابل تشخیص هستند. مانند: دیدار آسمان<sup>۷</sup> و زمین<sup>۸</sup>، نقاط<sup>۹</sup> و سطوح<sup>۱۰</sup>، عمق، نشیب و فراز<sup>۱۱</sup> و کوژی و کاوی<sup>۱۲</sup> فضا و ارتباط آنها با انسان که از جمله نمونه‌هایی هستند که بنابر باور او، در تعریف فضا مؤثرند. این موارد، در عین



تصویر ۱. منطقه فین کوچک دهه ۱۳۵۰. خوانایی فضاها به خوبی دیده می‌شود. به نظر می‌رسد به جز خیابانی که کاشان را به فین متصل کرده، تغییر دیگری در منطقه مشاهده نمی‌شود (مأخذ: فراهم‌شده از عکس‌های هوایی منطقه فین در سازمان نقشه‌برداری کشور)

### تغییر و تحولات در منظر محیطی فین

در این بخش، تلاش شده تا با نگاهی گذرا و آسیب‌شناختی، مؤلفه‌های گوناگون، به‌طور مختصر، بررسی شوند تا علاوه بر شناخت آسیب‌های عمده، نمود و تأثیر آنها در منظر پیش‌رو، مورد توجه قرار گیرند. بدین سبب، توجه به این مسأله مهم است که منطقه فین از نظر فضایی-کالبدی و کارکردی بر پایه‌های متکی بر برنامه‌ریزی، تعریف و ساخت فضاهای باز و سبز، بنا شده است. وابسته بودن تمام منطقه به آب چشمه تاریخی، تعریف و گسترش منظومه‌ای از باغ‌ها گرد اصلی‌ترین باغ و پیشینه طولانی فین در پدیدآوردن فضایی برای زندگی‌ای همراه با آسودگی و تفرج و خوشگذرانی<sup>۱۹</sup> کنار منطقه‌ای گرم و سوزان، از جمله دلایل نسبت‌دادن منظرسازی‌های گسترده به منطقه فین است.

وضعیت کلی منطقه فین-کوچک و بزرگ- طی چند دهه اخیر، به‌میزان قابل ملاحظه‌ای تحت تأثیر ارتباط آن با شهر کاشان قرار گرفته است. اگرچه از گذشته، چنانکه از میان متون تاریخی برمی‌آید، منطقه فین، تفرجگاه خوش آب‌وهوای کاشان به‌شمار می‌رفته (رازی، ۱۳۴۰: ۴۴۵؛ شیروانی، ۴۸۷)، اما تا پیش از ساخت خیابان متصل‌کننده منطقه به شهر، ورود به آن تابع مجموعه‌ای از معابر و راه‌ها بوده است که به‌شکلی ارگانیک، شهر و منطقه خوش آب‌وهوای فین را به هم وصل می‌کرده است. «رومن گیرشمن»<sup>۲۰</sup> در نقشه‌ای که تهیه کرده، شکل کلی این معابر را نشان داده است. خیابان «امیرکبیر»، بدون توجه به بستر و محیط و صرفاً با نگاهی به نقطه

حال، به‌خوبی منظر و ویژگی‌های قابل ادراک از فضا را نیز به‌نمایش می‌گذارند (Bacon, 1976: 15-27). «کوبین لینچ» هم، موضوع یادشده را از نقطه نظر تصویر ذهنی مطالعه کرده و پنج عامل اصلی را در شکل‌گیری تصویر شهر در ذهن مردم، مورد توجه قرار داده است (لینچ، ۱۳۸۵: ۹۳-۹۰). «گوردون کالن» که در طرح میحث منظر شهری، پیش‌گام دانسته می‌شود، نتیجه مطالعات خود درباره بحث مذکور را در چهار حوزه دید پی‌درپی، مکان، محتوا و سنت عملکردی با نمونه‌های بی‌شمار بیان می‌کند. از این طریق، مفاهیم گوناگونی چون قلمرو، نقطه عطف، منظر درون، نشانه‌گذاری، تغییر سطح، پیچیدگی<sup>۱۳</sup> و صراحت<sup>۱۴</sup> و مفاهیم فراوان دیگر را هم بررسی کرده است (کالن، ۱۳۸۲: ۹۶-۱۷). وی، پس از آن، برخی از مصداق‌های فضا و یا موضوعاتی مشخص، موجود و منتخب را براساس روش خود ارزیابی می‌کند.<sup>۱۵</sup> «پاول دی اسپرای رگن»<sup>۱۶</sup>، مطالعه منظر شهری را در چارچوب پیمایش بصری و به‌عنوان بخشی از کتاب طراحی شهر<sup>۱۷</sup> مطرح کرده و حوزه‌هایی را نیز برای مطالعه به خواننده پیشنهاد می‌کند (Spreiregen, 1965: 49-66).

از آنجاکه بیشتر این مطالعات، در چارچوب‌های فضای شهر غیرایرانی انجام شده، روشن است که مطالعه و مناسب‌سازی نظریه‌ها و دیدگاه‌های یادشده، امری بسیار مقبول خواهد بود.<sup>۱۸</sup> لیکن، مقاله حاضر در تحقیق محدود خود تنها، محیط سکونت‌گاهی تاریخی مبتنی بر باغ‌ها و مزارع پرشمار را براساس نظریه‌های از پیش تعیین‌شده، بررسی کرده است.



تصویر ۲. منظر خیابان امیرکبیر در محدوده باغ فین و باغ کهنه. این بخش خیابان که از گذشته وجود داشته تا فاصله شش کیلومتری فین - کاشان گسترش یافته است. ضمن این که به صورت خیابان ارتباطی امروزی درآمده است (مأخذ: نگارندگان).

بنابر برخی نظریات همچون نظر «ادموند بیکن»، منظر ساختار اصلی شهر، ترکیبی از مسیرهای حرکتی و توده‌های ساختمانی است که بر پایه نحوه ترکیب توده و فضا برای پدیدآوردن تجربیات متوالی و همزمان، جانمایی شده‌اند (محمودی، ۱۳۸۵: ۵۶). از این دیدگاه، اگرچه ناگزیر می‌نماید شریان اصلی منطقه فین را خیابان امیرکبیر بدانیم لیکن ویژگی‌های منظر قابل شناسایی، عموماً متفاوت از آن چیزی به نظر می‌رسند که طبیعت منطقه و بافت هماهنگ آن در گذشته، ارایه می‌کرده‌اند. باین‌که خیابان امیرکبیر، دست‌کم از لحاظ جایگاه باغ تاریخی و بستر پیرامون آن، گزینه غیرقابل دفاعی به چشم می‌آید اما، به سبب رشد و توسعه آرام منطقه تا حدود دو دهه گذشته، برای کسانی که در طول آن حرکت می‌کردند، منظر آرام را ارایه می‌داد. امروزه، رشد شتابان منطقه، این آرامش را برهم زده و با تخریب جداره‌های کم‌وبیش تعریف‌شده خیابان و بخش‌هایی از بافت اصلی که اطراف آن برجامانده بود، به شکل‌گیری چهره‌ای آشفته از منطقه، دامن زده است.

چنانچه برای بررسی اجمالی آسیب‌های وارد شده بر منظر شهری منطقه، براساس نظریات «پاول دی اسپرای رگن» عمل شود، دست‌کم دو چارچوب ارایه شده از سوی وی؛ «منظری که هنگام ورود به شهر درک می‌شود» و «منظر شهری درون ناحیه‌ای» سودمند خواهد بود.

انتهایی خود یعنی سردخانه باغ، چنان ترسیم شده که گاه به اشتباه این تصور ایجاد می‌شود که این خیابان، از آن دست خیابان‌هایی است که در گذشته، متصل به جلوخان باغ‌های مهم، ساخته می‌شده‌اند. تاکنون، مدرکی از پیشینه تاریخی این خیابان، در این اندازه دیده نشده است. بنابر برخی مطالعات صورت گرفته<sup>۲۱</sup>، همچون استناد به گفته «عبدالرحیم کلانترضرابی»، در کتاب «تاریخ کاشان» و تصویری از «پاسکال کست»<sup>۲۲</sup> (تصویر ۹)، نیمه قرن نوزدهم، تنها خیابانی کوتاه به اندازه پانصد ذرع، جلوخان باغ فین را به درب باغ کهنه متصل می‌کرده است. خیابان جدید که در امتداد خیابان کوتاه اصلی و بدون توجه به بافت ارگانیک منطقه شکل گرفته، به دلیل برش بخش گسترده‌ای از بستر باغ، از بیشترین جنبه‌های بررسی منظر و سیما برخوردار است (تصاویر ۱ و ۲).

### تغییرات گسترده در منظر محیطی (شهری و منطقه‌ای)

برای بررسی منظر محیطی منطقه مورد نظر، تلاش شده تا معیارهای مهم مطالعه منظر شهری، بررسی شوند. باتوجه به ارتباط گسترده و ارگانیک منطقه سکونت‌گاهی با پهنه طبیعی اطراف که خود ارتباطی ذاتی است، کوشش شده راه برای گسترش مفاهیم منظر شهری در محیط حاصل از استقرار سکونت‌گاه تاریخی فین، در پهنه پیرامون، هموار گردد.

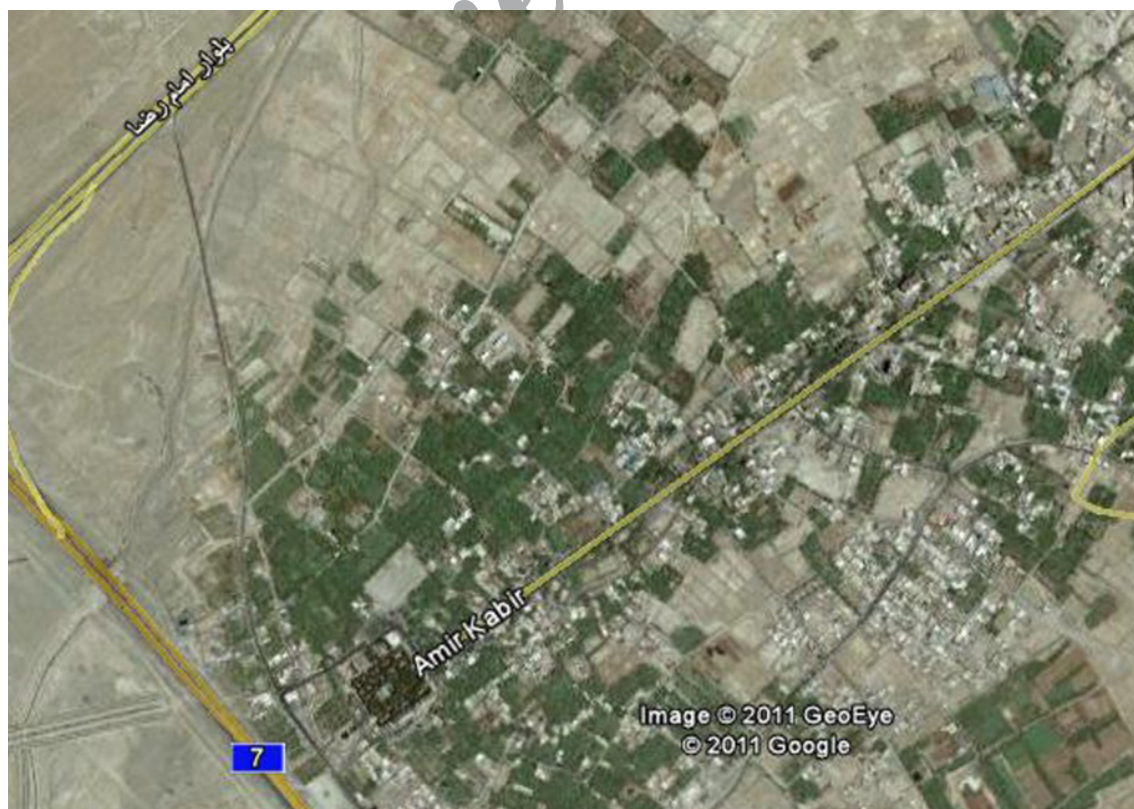
## منظر قابل ادراک هنگام ورود به منطقه راه‌ها

راه اصلی دسترسی به ناحیه فین، خیابان امیرکبیر است که پیش‌تر توضیحاتی درباره آن بیان شد. این خیابان که در دهه‌های گذشته طراحی شده، طی تقریباً یک دهه اخیر، رشد شتابانی را از سرگذرانده و به سبب تعریف‌نشدن فعالیت‌های مرتبط با ساخت‌وساز و نبودن طرحی از پیش مشخص‌شده، گونه‌هایی ناهمخوان از بناها و نماها را دربرمی‌گیرد.

ضمن اینکه، در بخش‌های نزدیک به باغ، گسترش فعالیت محل‌های پذیرایی و غذاخوری به شدت، این عنصر مهم تعریف منظر شهری را مخدوش کرده‌است. خیابان موازی محور مذکور - بلوار امام رضا(ع) - که راه دسترسی اصلی شهر به آزادراه کاشان - اصفهان است و شمال غربی خیابان امیرکبیر قرار دارد، با تعریف برخی راه‌های فرعی که برای ورود به ناحیه فین در آن تعبیه‌شده از دیگر راه‌های دسترسی به منطقه محسوب می‌گردد (تصویر ۳). راه یادشده که نیم‌رخ طولی از منطقه را در طول محور جنوب غربی - شمال شرقی، ارائه می‌دهد، با وجود

بنابر نظر اسپرای رگن، در چارچوب اول، منظری که هنگام ورود به شهر دیده می‌شود، بررسی در حوزه‌هایی چون راه‌ها، چشم‌انداز و خط آسمان قابل پی‌گیری است.<sup>۲۳</sup> «اسپرای رگن»، با وجود کافی دانستن پنج عامل برشمرده‌شده «لینچ» برای پیمایش بصری فرم شهر، به موارد تکمیلی از دیدگاه خود اشاره می‌کند که بسیار گسترده‌اند. مواردی همچون شکل زمین و طبیعت، اقلیم محلی، الگو و شکل کلی شهر یا ناحیه،<sup>۲۴</sup> اندازه و تراکم،<sup>۲۵</sup> الگو، دانه‌ها و بافت<sup>۲۶</sup> فضاهای شهری و فضاهای باز، راه‌ها، راه‌های حومه‌ای و دسترسی به ناحیه، خیابان‌های محلی، نواحی و مناطق شهری توسط اسپرای رگن معرفی شده‌اند. وی در ادامه، برای پیمایش کالبد یک ناحیه، بررسی عواملی چون ساختار فعالیت‌ها، جهت‌گیری و موقعیت، جزئیات، محدوده‌های عبور پیاده، منظر و خط آسمان، محدوده‌های مشکل‌دار و جنبه‌های غیرفیزیکی را مدنظر قرار می‌دهد (Spreiregen, 1965: 51-64).

در این بخش، برای مطالعه منظر قابل ادراک هنگام ورود به منطقه، تنها، سه عامل ابتدایی راه‌ها، چشم‌انداز و خط آسمان بررسی شده‌است.



تصویر ۳. بافت منطقه همراه مهم‌ترین راه‌ها؛ بزرگ‌راه، خیابان امیرکبیر و بلوار امام رضا(ع) (Google Earth, 1390/8/15)



تصویر ۴. بخشی از نیم‌رخ منطقه فین. موقعیت باغ به سبب تغییر اندازه، رنگ و بافت، شاخصی برای منطقه است (مأخذ: نگارندگان)

منطقه، وضعیت به مراتب بهتری را دارد اما، فضای خیابان مذکور با تمام نارسایی‌ها بیشترین تاثیر را بر شکل‌گیری منظر، هنگام ورود و خروج دارد.

### خط آسمان

این معیار، از داخل خیابان امیرکبیر به دلیل بسته بودن زاویه آن، قابل شناخت نیست اما، اگر از سایر راه‌های نزدیک شدن به منطقه، خط آسمان بررسی شود، مشخص می‌شود که این معیار، نسبت به سایرین، آسیب کمتری دیده است. این نکته، روشن می‌کند که با وجود روند سریع تغییر تراکم در منطقه، توجه به حریم خط آسمان، به میزان بهتری بوده است. با این حال، چنین روندی، طی ۳ الی ۴ سال اخیر، نقض شده به گونه‌ای که، الگوی ناهمخوان هتل حاشیه خیابان امیرکبیر در حال تکرار است.

برخی آسیب‌های منظر، کم‌وبیش شماری از ارزش‌های منظر منطقه را نیز به نمایش می‌گذارد. اوج این منظر و نقطه عطف آن، سروهای تیره رنگ و بلند باغ فین هستند که به گونه‌ای مسلط بر نیم‌رخ پیش‌رو که از دامنه‌های کوه تا دشت سرسبز فین گسترده شده، به چشم می‌خورند (تصویر ۴).

### چشم‌انداز

این معیار، بر چشم‌انداز کلی، هنگام ورود و خروج از منطقه، تأکید دارد. خیابان امیرکبیر که مهم‌ترین راه دسترسی به منطقه است، در حالی چشم‌انداز کلی و عمومی منطقه را هنگام ورود و خروج ایجاد کرده است که به سبب ساختار خطی‌ای که دارد؛ منظر متفاوتی از بافت اطراف خود را ارائه می‌دهد و رشد شتابان و بدون تدبیر دهه اخیر را در خود به نمایش می‌گذارد. اگرچه بافت



تصویر ۵. وضعیت فعلی منطقه (1/3/1389، Google Earth)

## منظر شهری درون ناحیه‌های

«اسپرای رگن»، درباره مطالعه کالبدی یک ناحیه به عواملی همچون شکل، فعالیت، ویژگی‌ها، مسیرها، مراکز، تداخل‌ها و نفوذها،<sup>۲۷</sup> تغییر و بهبود و ترقی اشاره می‌کند (Speriregen, 1965: 59-60). در مقاله پیش‌رو، ضمن ارزیابی منظر شهری درون ناحیه‌ای، از دیدگاه اسپرای رگن، به چهار پارامتر شکل، مسیرها، مراکز و فعالیت‌ها که از دیدگاه آسیب‌شناسی مهم هستند و با نمونه انتخاب‌شده نیز هماهنگی دارند، توجه شده است.<sup>۲۸</sup> جدای از حوزه پدیدآمده توسط خیابان اصلی، در سایر بخش‌ها نیز کم‌وبیش، تغییراتی در حال شکل‌گیری است. این تغییرات، هم‌زمان که در تراکم منطقه، تحولاتی را ایجاد می‌کنند به‌واسطه ساخت‌وسازهای جدید و رعایت‌نشدن الگوهای پیشین از نظر معماری، الگوهای ناهمخوان با منطقه را نیز گسترش می‌دهند. در حوزه خیابان اصلی، تمامی این آسیب‌ها با شدت بیشتری دیده می‌شوند.

شکل - شکل ظاهری - در حوزه‌های درون‌بافتی و نقاطی که از خیابان امیرکبیر دور هستند، گرچه تغییرات کمتری داشته‌اند اما، در آنها آسیب‌های ناشی از تجدید حیات بافت، بر منظری که ارائه می‌دهند، سایه افکنده است. این ایراد، به‌همین شکل، در مسیرهای درون بافت نیز دیده می‌شود. در بخش‌هایی که مسیرهای مذکور با خیابان امیرکبیر، بریده شده‌اند، آشفتگی بیشتری وجود دارد. این برش، سبب‌شده تا پیوستگی معابر از نظر کالبدی و فضایی، در این بخش از بین‌رود و امتداد مسیرهای حرکتی تعریف‌شده در آنها نیز، به‌لحاظ عبور خیابان قطع شود (تصاویر ۶-۱ و ۶-۲).

مهم‌ترین شاخصه‌های اصلی بافت را که شامل مراکز و

فعالیت‌های جاری در آن هستند و در شکل‌گیری منظر ارایه شده نقش مؤثری دارند؛ می‌توان در وجود عناصری چون باغ‌ها - اعم از طراحی‌شده و باغ‌های میوه - بخش‌ها و فضاهای گشوده پیرامون آنها، آسیاب‌ها و میدان‌های محلی درون بافت، جستجو کرد. مهم‌ترین رکن، در بررسی وجودی این عناصر، جریان آبی است که از بالادست به‌سوی دشت کاشان، جاری است و تقریباً تمامی آنچه به آنها اشاره‌شد، در مسیر طولی آن قرار گرفته‌اند. به‌دلیل زندگی دوگانه بافت و انتقال بخشی از حیات اجتماعی به حوزه خطی خیابان، میدان‌های محلی و بخش‌ها باوجود حضور خود و داشتن نقش کارکردی - به‌ویژه برای بخش‌ها - از نظر سطوح تعریف‌کننده، الحاقات و نحوه عبور و مرور پیرامون آنها، دچار آسیب‌های منظری و آشفتگی‌های بصری قابل توجهی هستند. آسیاب‌ها نیز که به‌واسطه شکل معماری خود، عناصر شاخصی در طول مسیر جریان آب بوده‌اند متأسفانه، با ازدست دادن کارکرد خود و عدم احساس نیاز به آنها که نتیجه تغییر در شیوه‌های معیشتی مردم ناحیه فین است؛ به‌طور گسترده‌ای تخریب و یا تعداد کمتری از آنها دچار تغییر شکل‌های وسیع و تغییر کاربری شده‌اند (جدول ۱).

با شکل‌گیری خیابان امیرکبیر، بخش گسترده‌ای از فعالیت‌های درون لایه‌های بافت به مسیر خیابان و جداره‌های مخدوش شده آن منتقل شدند. به این مجموعه، باید سیل عظیم گردشگران را که از نقاط دور و نزدیک، به‌ویژه روزهای تعطیل و آخر هفته، به منطقه می‌آیند، افزود. همچنین، تصورکردن حجم بی‌شماری از اتومبیل‌ها در این‌گونه مواقع که جریان آمدوشد سنگینی را در خیابان امیرکبیر ایجاد می‌کنند؛ امری دور از ذهن نخواهد بود. خودروها، منظر حومه‌ای منطقه را به منظر



تصویر ۶-۱ (راست) و ۶-۲ (چپ). جدای از معابر بریده‌شده با خیابان اصلی که در عکس‌های هوایی دیده می‌شود، می‌توان تأثیر این تغییرات را در برخی بناها نیز جستجو کرد. تصویر نخست، مسجدی است که تلاش‌شده نسبت ارتباطی‌اش با خیابان، از طریق نماسازی جدیدی برقرار گردد. تصویر دوم، یکی از ده‌ها آسیابی است که به‌دلیل تغییر ساختارهای ارتباطی، درون بافت اما بی‌ارتباط با آن قرار گرفته‌است (مأخذ: نگارندگان).

جدول ۱. بررسی منظر شهری ناحیه فین براساس نظر اسپرای رگن (مأخذ: نگارندگان).

نمونه‌هایی از آسیب‌های واردآمده	اصلی‌ترین نمونه‌ها	منظر مناسب برای مطالعه	
منظر قابل ادراک هنگام ورود به شهر	ناهماهنگی با ساختار فضایی منطقه، تأثیرگذاری بر رشد برنامه‌ریزی نشده است.	خیابان امیرکبیر	راه‌ها
	این راه، آسیب عمده‌ای ایجاد نکرده اما، آسیب‌های وارده بر نیم‌رخ منطقه را نمایش می‌دهد.	بلوار امام رضا	
	ناهماهنگی با ساختار فضایی منطقه، خطر رشد برنامه‌ریزی نشده است.	بزرگ‌راه	
	چشم‌اندازی متفاوت با ساختار منطقه را نمایش می‌دهد و در مقیاس ریز بسیار آشفته است.	از خیابان امیرکبیر	چشم‌اندازها
	چشم‌انداز آشفته است و این آشفته‌گی، درحال افزایش است.	از بزرگ‌راه	
	وضعیت چشم‌انداز از دیگر مسیرها بهتر است.	از بلوار امام رضا	
قابل درک نیست.	از خیابان امیرکبیر	خط آسمان	
ارزش‌های منطقه را نمایش می‌دهد، درعین حال، مشکلات توسعه‌های جدید نیز در آن دیده می‌شود.	از بلوار امام رضا		
بسیار آشفته است.	از درون بزرگ‌راه		
منظر شهری درون ناحیه‌ای	تحت تأثیر روند شهری شدن بافت، درحال تغییر است.	شکل عمومی اجزا	شکل
	مانند آسیاب‌ها و برخی باغ‌ها، به‌شدت آسیب دیده‌اند و این روند ادامه دارد.	اشکال خاصی	
	از نظر شکل باقی‌مانده‌اند اما جداره‌ها درحال تغییر دائمی و سریع است.	درون بافت	مسیرها
	شکل مسیرها، به‌ویژه در شمال باغ، درحال دگرگونی است.	اطراف باغ	
	وضعیت مانند مسیرهای درون بافت است.	درون بافت	مراکز
	درون خیابان امیرکبیر، حل شده و جایگاهش آشفته است.	جلوخان باغ	
	مانند باغبانی، کشاورزی و فعالیت‌های وابسته همچون فعالیت آسیاب‌های آبی، روبه کاهش هستند.	فعالیت‌های اصیل	فعالیت‌ها
	فعالیت‌های جدید برای پذیرایی از گردشگران روبه گسترش است.	فعالیت‌های غیراصیل	

پرازدحام و آشفته شهری نزدیک می‌کنند.

دیدهای پی‌درپی که با قدم‌زدن در یک مسیر و یا حرکت از مکانی به سوی مکانی دیگر به‌طور متوالی آشکار می‌شوند، تأثیر بصری خاصی را به‌دنبال دارند (کالن، ۱۳۸۲: ۱۷). این دیدهای متوالی، حسی از اکتشاف و جذب را که با حرکت از درون شهرها، تجربه می‌شود، نشان می‌دهند. درعین حال، ریزه‌کاری‌ها، نظم و گروه‌بندی‌های موزون آن می‌توانند پاداش‌هایی برای ناظری باشند که با چشم باز و آگاهانه در فضا حرکت می‌کند (همان، ۱۹). معبرهایی که با ساختاری ارگانیک درون بافت قرار گرفته و در طول مسیر خود دیدهایی پی‌درپی از منطقه را معرفی می‌کرده‌اند، اکنون بار اجتماعی حضور در آنها کاهش یافته و با بریده‌شدن این راه‌ها به‌واسطه عبور خیابان، یکی از جنبه‌های مهم منظر شهری منطقه، از دست‌رفته است.

### تغییرات گسترده در سیمای محیطی (شهری و منطقه‌ای)

از سوی دیگر، با بررسی عوامل پنجگانه‌ای که «کوبین لینچ»<sup>۲۹</sup>

برای مطالعه سیمای شهر (تصویر ذهنی شهر) به آنها اشاره و تأکید می‌کند، می‌توان نیم‌نگاهی به تصویری که بستر باغ در ذهن ایجاد می‌کند، انداخت و آسیب‌های عمده وارده بر آن را برشمرد.

بنابر نظر لینچ، منظور از تصویر ذهنی یا سیمای تمامی برداشت‌ها، دانسته‌ها، باورها، حدس‌ها و انتظاراتی است که فرد از محیط پیرامون خود داشته و در مقابل، ارزش، کیفیات، عملکرد و اولویت متفاوتی را در ذهن وی ایجاد می‌کند. این ذهنیات، تابعی است از همه اطلاعاتی که فرد تا آن برهه از زمان، دریافت کرده و در ذهن خود انباشته است (پاکزاد، ۱۳۸۵: ۲۳).<sup>۳۰</sup> گفته‌های لینچ، بر کشف و درک ذهنی شهروندان و ناظران از شهرهایشان، بیشترین توجه و تأکید را دارد. آنچنان‌که می‌گوید: «هر شهروندی رابطه‌ای دیرینه با بعضی بخش‌های شهر دارد و تصویر ذهنی او از آنها همراه با خطرات و معانی بسیار برای اوست. به‌نظر می‌رسد عواملی از سیمای و شکل شهر همچون راه، نشانه، لبه، گره و محله هستند که براساس آنها تصویری روشن از شهر در ذهن به‌وجود می‌آید.» (لینچ، ۱۳۸۵: ۲۱).



## راه‌ها

همان‌گونه‌که از نقشه‌های قدیمی‌تر چون نقشه‌ی ارایه‌شده از سوی گیرشمن و عکس‌های هوایی برمی‌آید، مجموعه‌ای از معابر که میان باغ‌های پرشمار منطقه قرار گرفته‌اند؛ شکل بافت منطقه را به‌گونه‌ای ارگانیک نمایش می‌دهند. ویژگی‌های برخی از این معابر همچون ویژگی‌های کالبدی، نزدیکی به میدان‌های کوچک درون محله‌ای، راستا، حیات اجتماعی احتمالی که در آنها جاری بوده‌است و همچنین قرارگیری کنار باغ‌های کهنه و نو، جداکننده‌ی برخی از آنها از معبرهای دیگر است. بررسی امروزی این معابر، بر اهمیت آنها به‌مثابه گذرهایی که در گذشته دارای نقشی کلیدی در ارتباطات و زندگی اجتماعی بودند، دلالت دارد. اگرچه می‌توان این‌گونه تصور کرد که این گذرها، از عوامل مهم ایجاد تصویری عمیق از بافت در ذهن مردمان در گذشته بوده‌اند اما، امروز از حیات اجتماعی تهی‌گشته و تنها به معبری برای دسترسی در پایین‌ترین مرتبه خود تبدیل شده‌اند. درعین‌حال، خیابان به‌همان نسبت که ارزشی ندارد، تصویری غنی و قابل‌توجه از بستری را که بر آن قرار گرفته نیز ارایه نمی‌دهد. به بیان دیگر، سیمای کوچه‌باغ‌های دیروزی و خنک، پرسایه و مجاور با جریان آب و ردیف درختان، امروز به‌وسیله‌ی تصویر خیابانی ساختگی و بی‌روح و بی‌توجه به پیرامون خود جایگزین شده‌است.

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های راه‌ها استمرار و ادامه‌داشتن آنهاست چراکه، مردم بیشتر با تکیه بر این خصوصیت می‌توانند جهت حرکت خود را معین‌کنند (همان، ۱۰۰). بنابراین، به‌سبب خدشه به استمرار معابر، از خوانایی سیمای آنها و سیمای منطقه کم شده‌است.

## گره‌ها

میدان‌ها، میدانچه‌ها و محل‌های تقاطع معابر که همچون گره‌ها، از نقاط مهم بافت تلقی می‌شدند نیز، وضعیت بهتری ندارند. این نقاط پراهمیت و مراکز محلات پرشمار فین کوچک دیروز، علاوه بر اینکه، پذیرای گردشگران و تفریح‌کنندگان نیستند، حیات پررونق و جنب‌وجوش ساکنان نیز از آنها رخت بر بسته‌است. حجم بالایی از حیات اجتماعی این فضاها، به سمت مراکز تجمع ساختگی همچون کافه‌های خدماتی آشفته و پرشمار حاشیه خیابان، انتقال یافته‌است.

نمونه‌ای منحصربه‌فرد از این‌گونه میدان‌ها، محوطه‌

روبه‌روی سردر باغ فین است که تحت تأثیر خیابان امیرکبیر محو شده‌است. این سرنوشت، علاوه بر محوطه‌ی مقابل سردر، نصیب خیابان تاریخی پانصد ذرعی میان سردر باغ فین تا باغ کهنه هم شده‌است. در تمام این محدوده، خیابان جدید با جریان رفت‌وآمد خودروهای درون آن، حضوری سنگین دارد. نمونه‌ی دیگری از گره‌ها، در برخی بخش‌ها همچون بخش «ملاقطب» قابل دیدن است. گره‌ای که ساختار آبی مهمی را نیز در بر گرفته‌است. این ساختار، هنوز به فعالیت خود ادامه می‌دهد اما، جداره‌ها و فضای بصری آن، تحت تأثیر ساخت‌وسازهای جدید، تغییرات قابل توجهی ایجاد کرده و وضعیت نامناسبی دارد.

## نشانه‌ها

باغ فین، با سروهای برافراشته و استقرار در بالاترین نقطه منطقه‌ی شیبدار بافت و میان شبکه‌ای از راه‌های ارگانیک، مهم‌ترین نشانه‌ی شخصیت‌دهنده به سیمای منطقه به‌شمار می‌رود. این نکته، با بررسی تصاویر تهیه‌شده از نیم‌رخ منطقه و مطالعه‌ی عکس‌های هوایی و نقشه‌های نه‌چندان قدیمی نیز، دریافت می‌شود. نقش مرکز‌گرایی باغ، به‌گونه‌ای است که گستره باغ‌ها، هنگام نزدیک شدن به آن، چارچوب هندسی مشخص‌تری می‌یابند. امروزه، با انجام تغییرات کالبدی در فضاهای شهری منطقه همچون معابر، گذرها و میدان‌ها و نیز رکود حیات اجتماعی در آنها، بخش مهمی از تصویر این نشانه‌ی مهم بافت و منطقه، تنها از دریچه‌ی یکسان و بدون تغییر و تحول خیابان، قابل درک است. روشن است که خیابان نیز به‌سبب پیروی نکردن از الگوی معابر اصیل گذشته، نگرشی صرفاً تک‌بعدی، به باغ دارد. حال آنکه ارزش نشانه‌ای باغ تا پیش از احداث خیابان، از درون مجموعه‌ای از معابر و گذرها درک می‌شده‌است. این ادراک با توجه به شکل ارگانیک و متنوع گذرها و تغییر جهت آنها، متفاوت بوده‌است.

از این لحاظ، نشانه‌ی مهمی چون باغ فین از دیدگاه‌ها و زوایای گوناگون و با داشتن پس‌زمینه‌های متغیر، با گذر از مناظری بدیع و زیبا<sup>۳</sup>، نوعی تعالی منظر را در نمایش نشانه‌گونه خود همراه داشته‌است. حضور باغ در انتهای خیابان، گرچه از نظر وجودی بر غنای آن، نقطه تعریفی را افزوده‌است اما، هم به‌لحاظ نداشتن اصالت تاریخی- در ابعاد امروزی- و آشفتگی موجود و هم به‌سبب کم‌رنگ شدن نقش باغ به‌عنوان نشانه‌ای برای کل بافت منطقه، مثبت ارزیابی نمی‌شود.





تصویر ۷. منطقه فین کوچک میان دشت فین. عکس هوایی سال ۱۳۶۳ نشان می‌دهد که در این دهه، رابطه منطقه و بستر آن به شکل اصلی، بسیار نزدیک بوده‌است چنانکه مرز میان منطقه و بیابان به خوبی قابل شناسایی است (مأخذ: سازمان نقشه برداری کشور).

محیط تاریخی، از جمله عواملی است که سبب شده خدشه‌های معناداری در حد و مرز یادشده، وارد آید. دامنه این خدشه‌ها، بسیار متفاوت است به گونه‌ای که خانه‌سازی‌های مجاور چشمه سلیمانیه تا آزادراه کاشان- اصفهان، ورزشگاه بزرگی که در حال تکمیل و تجهیز است، و خانه‌سازی‌های مجموعه‌ای را نیز دربر گرفته‌است. به نظر می‌رسد که در پهنه دشت فین، آب چشمه سلیمانیه، دیگر گرانبهاترین عنصر به‌شمار نمی‌رود و حریم و حدود حیات ایجادشده به وسیله آن می‌تواند پذیرای هرگونه خدشه‌ای باشد (جدول ۲).

### ارزیابی کیفی آسیب‌ها

برای ارزیابی آسیب‌های منظر که از دو دیدگاه منظر و سیمای محیطی بررسی شدند، لازم است چگونگی ادراک محیط مورد نظر نیز ارزیابی شود. مهم‌ترین مسأله در ایجاد ارتباط با یک منظر، ادراک آن است؛ به این مفهوم که ناظر همواره در سازماندهی مناظر تلاش کند. با این روش، هر چارچوب غیر منسجمی، در منظر نمایان می‌شود. به بیان دیگر، منظر آشفته، نشان از نبود انسجام و یا ایجاد اغتشاش در سازمان یک مکان دارد. براساس نظر «گرت»<sup>۳۲</sup> انسان، همواره به‌سازماندهی مشاهدات خود تمایل دارد و از طریق ادراک کوچک‌ترین اشارات، به شکل کامل پی می‌برد (بل، ۲۰۰۴: ۹۵). «سایمون بل»، غایت و هدف بصری هر طرحی را ایجاد تعادل میان وحدت و

آسیب‌های پرشمار که سرتاسر منطقه و در طول مسیر حرکت آب پراکنده بوده‌اند چنانکه امروز نیز از بقایای برخی از بازمانده‌های آنها درک می‌شود، همچون نشانه‌هایی برای بافت منطقه بوده‌اند.

جدای از شکل قابل توجه و متفاوت، اهمیت کارکردی آسیاب‌ها و نقشی که به‌عنوان یک حلقه اتصال در حیات و معیشت مردمان داشته‌اند، بر این مهم تاکید می‌کرده‌است. متأسفانه عدم استفاده و تغییر گسترده شیوه‌های زندگی شهری سبب شده تا آسیاب‌ها فراموش شوند. ازین‌رو، شکل و کارکرد قابل توجه و چشمگیر آنها، از ساختار و سیمای شهری ناحیه فین حذف شده است. درحالی‌که شکل معماری، ساختار فنی و نحوه بهره‌گیری هوشمندانه از نیروی حاصل از جریان آب که در کنار برخی تمهیدات فنی فراهم شده بود، می‌توانست از تأثیرگذارترین عوامل در شکل‌گیری تصویری شایسته از منطقه باشد.

### لبه

حیات منطقه فین، پیرو جریان آب، از چشمه‌های تاریخی است که از کوهستان فرادست به سوی «دشت فین» جریان یافته و در مظهرخانه چشمه «سلیمانیه» برای اولین بار آشکار شده‌است. به نظر می‌رسد این چشمه، از گونه چشمه‌های گسلی و حاصل شکافی در لایه‌ها و ساختارهای زمین است که طی زمانی طولانی توانسته با تغییراتی جزئی همواره جریان داشته‌باشد (حسنعلیان، ۱۳۸۱: ۲۲۳). منطقه آبادشده فین، پیوسته تابع میزان آب این چشمه بوده‌است در صورتی‌که، تا پیش از دگرگونی‌های دهه‌های اخیر، اندازه و شکل منطقه، وابسته به جریان آب و متکی بر نقش آن بوده‌است. از این نقطه نظر، چنانکه عکس‌های هوایی نشان می‌دهد، شروع حیات در منطقه فین، بر باغی استوار بود که در بالاترین نقطه منطقه، قرار گرفته است (تصویر ۷). حد نهایی این جریان حیات، کنار بیابان لم یزرع پیرامون و نیز در تعامل با بلندی‌های کوه‌های کرکس، مهم‌ترین لبه حاصل از فعالیت‌های آبادگرایانه منطقه فین را پدید آورده‌است.

این الگو، مختص به فین نبوده بلکه در فلات ایران، هنگام برخورداری پهنه‌ای محدود از آب، همواره می‌توان چنین مرزبندی‌ای را مشاهده کرد. فعالیت‌های دو دهه اخیر مبنی بر توسعه فعالیت‌های شهری، عدم وابستگی به آب چشمه سلیمانیه و نیز درک نکردن ارزش‌های

عوامل اشاره شده برای مطالعه	اصلی ترین نمونه‌ها	نمونه‌هایی از آسیب‌های واردآمده
راه‌ها	خیابان امیرکبیر	با ساختار اصلی منطقه هماهنگی ندارد و تصویر واقعی درونمایه‌های بافت را نمایش نمی‌دهد.
	معاور درون بافت	از نظر کیفیت فضایی و به‌ویژه جداره‌های جدید، ارزش چندانی ندارند.
گره‌ها	جلوخان باغ	ارزش فضایی و بصری را از دست داده و محلی برای سوار و پیاده شدن شده‌است.
	گره‌های درون بافت	جداره‌ها به‌واسطه دگرگونی ساختارهای محصورکننده، تغییر کرده و یا در حال تغییر است.
	بخش‌ها	وضعیت جداره‌ها همانند گره‌ها است اما خود بخش‌ها و کارکردشان باقی مانده‌است.
نشانه‌ها	سردر باغ	به‌صورتی یک بعدی و در طول خیابان، قابل درک است اما دارای اغتشاش بصری است.
	آسیاب‌ها	از نظر کارکردی و ارتباط کارکردی با بافت، بسیاری از آسیاب‌ها حذف شده‌اند.
لبه‌ها	از درون بزرگراه	باغ در مرکز توجه قرار دارد.
	لبه و مرز منطقه	به‌شدت آشفته شده‌است.
محله‌ها (محدوده‌ها)	بخش‌های مسکونی	به‌سبب رشد ساخت و سازها، از الگوی اصلی خانه‌باغ‌ها فاصله گرفته‌است.
	مجموعه باغ‌ها	تخریب‌هایی در حد تغییر چهره این پهنه از بافت، دیده می‌شود.

عناصر تشکیل دهنده شده، باعث افزایش وحدت در بین عناصر منطقه شده‌است. درعین حال، بافت این محدوده با بستر بیابانی و خشک، تضادی شدید داشته که خود باعث نزدیکی بیشتر اجزای غیربیابانی شده‌است (تصویر ۸). این پیوستگی و نزدیکی واحدهای جداگانه، به سبب تغییر و تحولات و ساخت و سازها، در حال کمرنگ شدن است. تخریب تدریجی و یا ناگهانی هر جزئی از بافت، به گسستگی بیشتر منجر می‌شود. براساس مطالعات ارایه شده در بخش سوم، مهم‌ترین بخش‌هایی را که آشفتنگی به مفهوم «نزدیکی» به آنها آسیب رسانده‌است، می‌توان در

الف) چشم‌انداز اصلی قابل حصول که هنگام ورود به منطقه، عناصر جدید و درعین حال نامربوط را دربردارد.  
ب) خط آسمان که ناهمگونی عناصری چون ورزشگاه و هتل‌های مرتفع را به‌خوبی نمایش می‌دهد.

پ) دوگانگی مسیرها در منطقه؛ مسیرهای اصیل و ارگانیک که در حال تغییر و زوال هستند و مسیرهای غیر اصیل اما پر استفاده که با حالتی تهاجمی به درون منطقه راه یافته‌اند.

ت) کمرنگ شدن نشانه‌های قابل شناسایی در بافت؛ همچون تک‌بعدی شدن منظر و دورنمای سردر باغ و همچنین حذف ساختارهای آسیاب‌های آبی که از نظر فنی و معماری دارای اهمیت بوده‌اند.

محصوریت<sup>۳۷</sup>، تلفیقی از شکل عناصر و موقعیت آنهاست. هرچه محصوریت فضا کامل‌تر باشد، درون‌گرایی

تنوع، همراه توجه و احترام به روح مکان می‌داند (همان: ۱۰۶). وی، معیارهای مذکور را این‌گونه تعریف می‌کند.

- وحدت<sup>۳۳</sup>: به رابطه بخش‌های سازنده هر طرح یا منظر با کل آن مربوط است.
- تنوع<sup>۳۴</sup>: به گوناگونی و تفاوت‌ها در طرح یا منظر می‌پردازد و در مقیاس‌های گوناگون روی می‌دهد.
- روح مکان<sup>۳۵</sup>: به ویژگی‌های خاص و منحصر به فرد یک مکان نسبت به مکانی دیگر اشاره دارد (همان).

در این بخش، لازم دانسته شد تا ساختار کلی طرح محیط و منظر منطقه از نظر مفاهیم بالا، مد نظر قرار گرفته شود تا بر آن اساس بتوان مهم‌ترین آسیب‌های وارد شده به این عوامل مؤثر را برشمرد.

### وحدت

براساس روان‌شناسی «گشتالت»، ادراک فضا را می‌توان برپایه اصولی چون نزدیکی، محصوریت و تشابه، بررسی کرد. هرچه موقعیت عناصر بصری به هم نزدیک‌تر باشند، بیشتر به شکل یک گروه دیده می‌شوند. چنانچه عناصر از نظر شکل، رنگ و اندازه متفاوت باشند، جلوه‌های بی‌نظمی بصری در آنها نمودار می‌گردند. این اصل، با عنوان «نزدیکی»<sup>۳۶</sup> شناخته می‌شود (همان: ۹۵). در منطقه فین، حضور گسترده، فشرده و نزدیک به یکدیگر باغ‌ها با بافت و رنگ تقریباً مشابه، القاکننده این حس نزدیکی است. این نزدیکی که در برخی موارد، سبب پدید آمدن نوعی پیوستگی با حفظ شخصیت

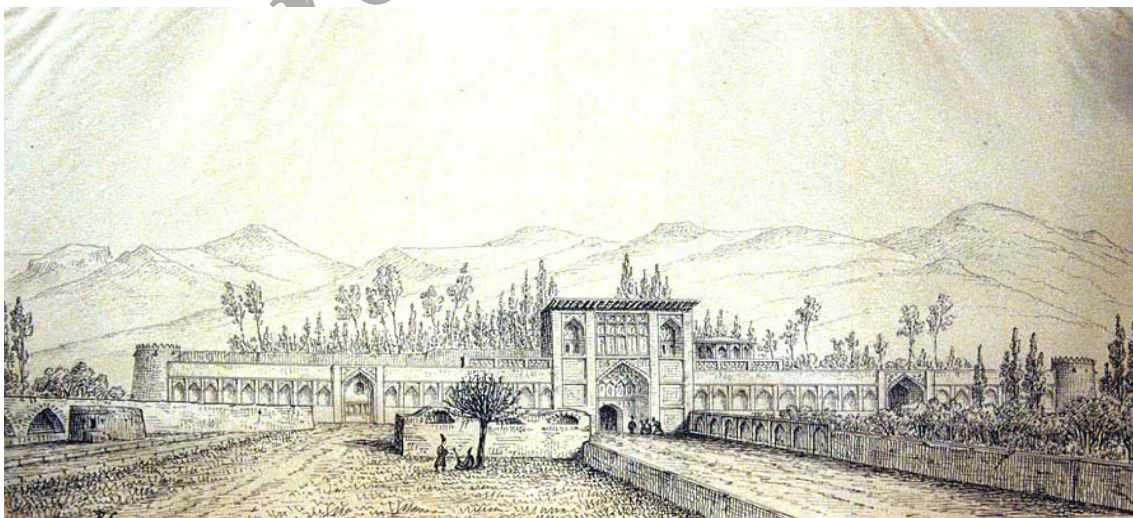




تصویر ۸. باوجود تفاوت میان بافت، رنگ و اندازه که از بیرون منطقه قابل شناسایی است، پیوستگی قابل توجهی میان عناصر منطقه به‌ویژه باغ‌ها وجود دارد. در تصویر، باغ فین همراه پس‌زمینه‌ای از باغ‌های کوچک‌تر اطراف نشان داده شده‌است (مأخذ: جاسم غضنابپور؛ سازمان عمران و بهسازی شهری)

آن افزایش خواهد یافت. در منطقه مورد مطالعه، از دو دیدگاه می‌توان موضوع محصوریت را بررسی کرد. در مقیاس خرد، از بین رفتن محصوریت برخی عناصر، به جدایی بیشتر اجزا و عناصر درون منطقه، منجر شده‌است. نمونه این آسیب، در باغی که شمال‌غربی باغ فین، قرار داشته و در چند سال اخیر فضایی باز برای پارک اتومبیل‌ها شده، قابل مشاهده‌است (تصویر ۱۰). با این حال،

جدای از هر آسیبی، تعریف فضای خدماتی برای پارک اتومبیل‌ها در محدوده متصل به باغ فین، خود جای تأمل دارد. نمونه‌هایی از این دست، فراوان است. از لحاظ تاریخی به از میان رفتن بدنه‌های جلوخان باغ و جدارۀ خیابان روبه‌روی سردرخانه که فاصله کوتاه میان سردر باغ تا باغ کهنه را سازماندهی می‌کرده، می‌توان اشاره کرد. در تصویری که «پاسکال کست» آن را فراهم کرده، این



تصویر ۹. جلوخان باغ و خیابان متصل به آن که به‌گفته «کلانتر ضرابی» در تاریخ کاشان، از سردر باغ تا باغ کهنه به‌اندازه پانصد ذرع امتداد داشته‌است (مأخذ: پاسکال کست).



تصویر ۱۰. تصویر جدید مربوط به سال (۲۰۰۹/۱۳۸۸م)، نشان می‌دهد که تخریب باغ‌ها، رشد مناطق مسکونی و ساخت سازه‌های بزرگی مثل ورزشگاه، چگونه ساختار پیوسته منطقه را دچار آشفته‌گی کرده‌است. در پایین و گوشه چپ تصویر، بخشی از ورزشگاه دیده می‌شود. همچنین بزرگراه که با فاصله بسیار نزدیک از باغ عبور کرده و تخریب باغ‌ها همچون دو باغی که شمال باغ فین و متصل به آن قرار داشته‌اند، در تصویر دیده می‌شود (Google Earth, 1389/3/1).

از جریان حیات فعال منطقه خارج شده‌اند. این مسأله، به کاهش چشمگیر تنوع فضایی و لاجرم تنوع بصری که از ارکان تعریف منظر به‌شمار می‌آید، منجر شده‌است. کاهش فعالیت‌های اجتماعی درون بافت کوچه‌باغی که به‌صورت بالقوه از ارزش‌های بصری قابل توجهی برخوردار بوده؛ سبب کم‌توجهی به این فضاها شده و کیفیت بصری و ارزش‌های منظری آنها را به‌میزان قابل توجهی، تحت تأثیر قرار داده‌است. در عین حال، خیابان جدید نیز نتوانسته‌است به چارچوب‌های حداقلی برای کیفیت منظر دست یابد. اگر هم در گذشته دارای بخش‌های محدودی با شکل قابل قبول بوده، طی دهه اخیر، به‌واسطه گسترش ساخت‌وساز بدون ضابطه و کیفیت، آن بخش‌ها تقریباً یا از میان رفته‌اند و یا در سایه بخش‌های جدید آشفته قرار گرفته‌اند. البته، خیابان جدید شکلی یکسان و تکرارشونده ندارد اما، از آنجاکه اساساً بدون هرگونه کیفیت فضایی است، تنوع موجود در آن، هیچ ارزش بصری ندارد.

این معضل در بخش‌های دیگر بافت منطقه نیز به‌چشم می‌خورد. از جمله در بخش‌های پراکنده پیرامون باغ و یا حاشیه منطقه و لایه‌های درونی‌تر حاشیه خیابان، جریان ساخت‌وسازهای فاقد کیفیت به‌میزان قابل توجه دیده می‌شود و به نظر می‌رسد که از جریانی رشدیابنده

وضعیت قابل مشاهده‌است (تصویر ۹).

از دیدگاهی دیگر نیز، می‌توان محصوریت را بررسی کرد. در شکل اصیل منطقه، تضاد میان حیات ایجادشده توسط آب چشمه با منطقه خشک پیرامون، گونه‌ای دیگر از محصوریت را نمایش می‌دهد. این محصوریت، اگرچه مانعی کالبدی ندارد اما، حد و قلمرو دقیق وابسته به آب چشمه را به‌خوبی نشان می‌دهد. با ایجاد تغییرات جدید در نحوه زندگی و چارچوب‌های اقتصادی منطقه، این خطوط تنها تغییرات دائمی را تجربه نکرده بلکه به تبعیت از شرایط برنامه‌ریزی‌های غیروابسته، شاخصه‌ای برای آگاهی از دگرگونی‌های منطقه‌ای شده‌است. هنگامی که آب چشمه، تعیین‌کننده حد و قلمرو نباشد، بدیهی است که گسستگی‌ها و یا خطوط جدید، در حوزه به‌وفور دیده می‌شود. از دیدگاه مورد بحث در این مقاله، مشخص است که از بین رفتن و یا کم‌رنگ شدن محصوریت، به کاهش وحدت و افزایش اغتشاش می‌انجامد.

به‌سبب حضور باغ‌های فراوان که سرتاسر منطقه، استقرار یافته بوده‌اند، «تشابه»<sup>۳۸</sup> به‌میزان قابل توجهی، در کل منطقه وجود داشته‌است. این تشابه، پدیده‌ای فصلی بوده که خود، از دیدگاه منظر، اهمیت قابل توجهی دارد. این تشابه، طی فصل‌های گوناگون، با تغییر رنگ درختان باغ‌های منطقه که بیشتر از نوع مثمر بوده‌اند، در نسبتی متغیر با نقطه‌ای مرکزی- باغ فین- قرار می‌گرفته که به‌دلیل حجم فراوان درختان سرو، رنگ دائمی سبز تیره داشته‌اند. هنگام خزان و فصل زمستان، این تشابه به کم‌ترین میزان رسیده و باعث می‌شده تا باغ فین به‌طرز آشکارتری به نقطه عطف منطقه، تبدیل شود. تغییرات بافت پیرامون باغ، همچون جریان روبه‌کاهش باغ‌ها، از تأثیرپذیری این تشابه به‌میزان قابل توجهی کاسته‌است. در مقیاس ریز، ساخت‌وسازهای فراوانی، چهره باغ‌ها را تحت تأثیر خود قرار داده‌اند. اما در برخی نمونه‌ها، تخریب یک باغ بزرگ همچون باغی که در شمال باغ فین قرار داشته و به‌کلی تخریب شده، بسیار تأثیرگذار است (تصویر ۱۰).

## تنوع

در مورد تنوع، چالش‌های متفاوتی وجود دارد؛ در نخستین گام، دیده می‌شود که بسیاری از فضاها از جمله بخش‌های درونی بافت که عناصر ارزشمندی همچون گذرها، کوچه‌باغ‌ها، میدان‌ها و بخش‌ها را شامل می‌شود،



نیز، برخوردار است. اگر این نوع تنوع فضایی و کالبدی به‌عنوان نوعی تنوع کاذب تلقی‌شود، پدیده‌ای مشابه آن در پهنه بیابانی پیرامون منطقه مشاهده می‌شود. فضای بیکران و بیابانی که منطقه فین را در گذشته چون جزیره‌ای دربرداشته، به‌واسطه توسعه‌های روزافزون به فضایی مغشوش تبدیل شده‌است.

جریان توسعه مذکور در بسیاری از موارد، بر هیچ ارزشی مبتنی بر توسعه پایدار متکی نیست و در برخی مواقع، حتی از دیدگاه معمول برنامه‌ریزی محیطی نیز، ایرادهای فراوان دارد. عبور بزرگ‌راه از فاصله نزدیک باغ نه تنها یکپارچگی منطقه و بستر متصل به آن را دچار چالش جدی کرده‌است بلکه نزدیکی آن به محور کاشان- فین و ارتباط غیررسمی فعلی، به‌دور از هرگونه مبنای برنامه‌ریزی است. آسیب‌های عناصر دیگری همچون ورزشگاه و خانه‌سازی‌های مجموعه‌ای جدید در ابعاد کالبدی- فضایی از این هم فراتر است. اما در حوزه مورد بحث، این عناصر به تغییر بافت بیابانی پیرامون منطقه منجر شده و تضاد ارگانیک ریزاقلمی در دل بیابان را که هزاران سال قدمت داشته، به چالش کشیده‌است. بدیهی است که همچون هر مطالعه مبتنی بر منظر و سیمای شهری، این آسیب‌ها صرفاً ابعادی زیباشناختی و بصری ندارند بلکه، از منظر و سیمای آشفته و آسیب‌دیده هر گستره‌ای از چالش‌های گاه بزرگ و عمیق در شالوده‌های فضایی، کالبدی و کارکردی آن حکایت می‌کنند؛ چنانکه در منطقه فین قابل مشاهده‌است.

## روح مکان

بررسی روح مکان با معیارهای وسیعی قابل سنجش است اما در اینجا بررسی، به سه بخش زمین، محصوریت و سازماندهی فضایی، خلاصه شده‌است. مکان انسان‌ساخت، فهم و درک او را از محیط پیرامونش نمایان می‌کند و به‌ظهور می‌رساند. بسته به نسبتی که مکان با زمین دارد، شکل‌های پایه‌ای آن همچون یک اقامت‌گاه روستایی یا یک محدوده شهری، قابل تعریف‌اند (نوربرگ شولتز، ۱۳۸۸: ۸۸). منطقه فین در ارتباطی فراگیر با زمین شکل گرفته‌است و در آن، زمین فراتر از محلی برای استقرار، مکانی برای رویاندن، پرورش دادن درختان و گیاهان و جاری ساختن جوی‌ها در شکلی ارگانیک بوده‌است. این ساختارها، به فین شکل بخشیده‌اند. بناهای کوتاه و مستقر بر سطح زمین با تراکمی ناچیز در نسبت با فضاهای سبز، آشکارترین منظرها را در این منطقه، ایجاد کرده‌است. به‌گونه‌ای که

جز در بخش‌هایی از بناهای مهمی چون باغ فین، حجم درختان، خط آسمان را پدیدآورده‌است. به‌غیر از بخش عمده‌ای از خیابان اصلی که هیچ مشخصه‌ای از اصالت مکانی فین را در خود ندارد، بخش‌های درونی بافت نیز با تغییرات در استفاده از زمین، در حال دورشدن از این اصالت خود هستند. باغ کهنه که می‌تواند سند اصالت منطقه و تأثیرگذار بر روح مکان آن باشد در بدترین وضعیت، توسط خیابان دو نیم شده‌است. آسیاب‌ها که بهترین نمود بهره‌گیری گسترده از زمین و آب محسوب می‌شوند، یا در حال تخریب‌اند، یا در شرایط نامناسب رهاسازی شده‌اند و یا در موارد معدود به بدترین شکل ممکن مورد استفاده قرار گرفته‌اند. کلیت منسجم منطقه که شامل باغ فین در مرکز، باغ‌های فراوان پیرامون آن و خانه‌های کوچک و بزرگ و کشتزارهایی در بیرونی‌ترین لایه بوده، انسجام خود را از دست داده چنانچه منظر شهری منطقه از یک بافت تاریخی منسجم به یک منطقه حومه‌ای آشفته تبدیل شده‌است.

کلیت منسجمی که از آن صحبت شد، مرز خود را با منطقه بیابانی از دست داده‌است. این موضوع به بی‌مرزی منطقه، رشد بی‌برنامه و کمرنگ‌شده الگوی شکل‌گیری آن، منجر شده‌است. این چالش اساسی در اصلی‌ترین منظرها قابل درک است. اما در بهترین شکل، در نیم‌رخ‌های مختلف منطقه آشکار می‌شود. نوع دیگری از محصوریت با هاله‌ای از باغ‌ها که بر گرد باغ فین قرار داشته‌اند، ایجاد می‌شده‌است. دست کم، دو باغ متصل به باغ فین را سمت باغ کهنه، با بررسی تصویر پاسکال کست می‌توان دید. در طرف چشمه نیز، فضای مغشوش فعلی نشان‌دهنده تغییراتی در شکل فضاها است. به‌نظر می‌رسد مرز و حصار باغ فین در شکل اصلی، فراتر از بارویی است که تا امروز باقی مانده است. احتمالاً امتداد خیابان امیرکبیر تا مقابل باغ، توسعه مسیر را پیرامون باغ تسهیل کرده‌است. اگر چنین باشد، مفهوم محصوریت ایجادشده توسط باغ‌های متصل به باغ فین، ابعاد گسترده‌تری داشته است. همانطور که از دیدگاه منظر پیش‌رو نیز کیفیت متفاوتی را بیان می‌کرده‌است.

مولفه مکانی دیگری که به تعریف روح مکان در مقیاس منطقه فین منجر شده‌است؛ سازماندهی فضایی مبتنی بر شکل زمین، کیفیت حاصلخیزی آن، مظهر آب چشمه و جریان ارگانیک جوی‌هایی است که در طول زمان، شکل باغ‌ها و معابر و شکل بافت را ایجاد کرده‌است. اگر بنا بر عوامل به‌وجودآورنده بافت فین، بافت آن ارگانیک دانسته‌شود، مشخص خواهد شد



به گونه‌ای غیراصیل به حاشیه خیابان منتقل شده‌است؛ خیابانی که از صفات مکانی درخور منطقه برخوردار نیست. از این رو، هر دو گستره مورد بحث؛ بافت درونی و حاشیه خیابان، از داشتن منظری غنی از مفهوم، معنا و روح، تهی گشته‌اند (جدول ۳).

که پهنه‌ای وسیع از بافت وجود دارد که بیشتر مبتنی بر کوچه باغ‌ها است. ادراک روح مکان در چنین بافتی، جز با تداوم جریان زندگی در میان آن ممکن نیست. در وضعیت فعلی، جایگاه مکان با وجود بسیاری از آسیب‌ها هنوز در میان بافت وجود دارد اما جریان حیات اجتماعی از آن رخت‌بر بسته و

جدول ۳. بررسی عوامل آسیب‌رسان به مفاهیم اصلی طرح براساس نظر بل (مأخذ: نگارندگان)

مفهوم خدشه‌دار شده	حوزه آسیب‌دیده	نمونه‌هایی از آسیب‌های واردآمده
وحدت	نزدیکی	خدشه در چشم‌انداز اصلی و خط آسمان، دوگانگی مسیرها در منطقه و کم‌رنگ شدن نشانه‌های قابل شناسایی در بافت
	محصوریت	از میان رفتن جداری برخی معابر و فضاهای عمومی
	تشابه	تحت تأثیر قرار گرفتن منظر خانه‌باغ‌ها با ساخت‌وساز جدید، تخریب کامل برخی باغ‌ها
تنوع	تنوع کالبدی فضایی	عناصر ارزشمندی همچون گذرها، کوچه‌باغ‌ها، میدان‌ها و بخش‌ها که از جریان حیات فعال منطقه خارج شده و یا به حاشیه رانده شده‌اند.
	تنوع در فعالیت‌ها	کاهش فعالیت‌های اجتماعی متنوع در درون بافت کوچه‌باغی و انتقال حیات اجتماعی منطقه درون خیابان
	ایجاد تنوع کاذب	گسترش ساخت‌وسازهای بی‌برنامه درون بافت و پیرامون آن
روح مکان	زمین	فراموش شدن نقش اصلی زمین به مثابه مکانی برای رویاندن و پرورش دادن درختان و گیاهان
	محصوریت	استیلای بی‌مرزی بر منطقه‌ای که در چارچوب یک ریزاقلیم در پهنه‌ای بیابانی شکل گرفته‌است.
	سازماندهی فضایی	تغییر بنیادی در سازماندهی فضایی مبتنی بر شکل زمین، کیفیت حاصلخیزی آن، مظهر آب چشمه و جریان آرگانیک آب

## نتیجه‌گیری

در این مقاله تلاش شد تا به کارگیری فنون شناخت منظر و سیمای شهری برای مطالعه چالش‌های یک منطقه تاریخی که بر مبنای گستره‌ای از باغ‌ها و مزارع، شکلی سکونت‌گاهی یافته، بررسی شود. از آنجا که مطالعه چالش‌ها مد نظر بوده‌اند و نیز با علم به وضعیت تثبیت نیافتن منطقه، رویکرد مقاله، آسیب‌شناسانه بوده است. بررسی منظر شهری بر اساس نظریاتی از جمله نظریات اسپرای رگن روشن کرد که چه محدوده‌ها و نقاطی از منظر منطقه به مطالعه نیاز دارند و در عین حال تجمع آسیب‌ها در چه محدوده‌هایی بیشتر دیده می‌شوند. در ادامه از عوامل برشمرده شده توسط لینچ برای مطالعه تصویری از منطقه که در ذهن مردم ایجاد می‌شود، استفاده شد. هر دوی این مطالعات، می‌توانند بسیار وسیع‌تر در منطقه مذکور ادامه یابند. اما بررسی‌های ابتدایی نشان می‌دهند که عمده مناطق دارای مشکل کجا هستند و عناصری که مشکلات و آسیب‌ها را به محیط وارد کرده‌اند کدام‌اند. در ادامه، تلاش شد تا نتایج دو بررسی صورت گرفته با نظریات بل در مورد ویژگی‌های طرح یک منظر، دوباره بررسی شوند. آنچه بل اشاره می‌کند، شامل مفاهیم پایه‌ای در مورد طرح منظر است. سنجش یافته‌های آسیب‌شناختی با مفاهیم ارائه شده از سوی بل، نشان می‌دهد که چگونه آسیب‌های وارد شده به یک منطقه، جدای



از آشفتگی‌های شکلی و منظر، آن دسته از مفاهیم اصلی را که منطقه بر پایه آنها شکل گرفته، به چالش می‌کشاند. لذا، می‌توان این‌گونه برداشت کرد که شناخت منظر و آسیب‌شناسی آن توانسته است دست کم در مورد منطقه فین، نتایجی را برای شناخت چالش‌های فراروی مفاهیم اصلی طرح و محدوده‌های بحرانی مبتلا به آسیب‌ها در پی داشته‌است. درعین‌حال، این نیاز احساس می‌شود که مفاهیم اصلی آسیب‌دیده چگونه بر معیارهای ملموس‌تری که در حوزه حفاظت قابل‌سنجش‌اند، تأثیر می‌گذارند. سخن از ادامه مطالعات آسیب‌شناسی در حوزه‌های نزدیک‌تر به مباحث حفاظتی همچون اصالت و یکپارچگی است. زیرا نتایج احتمالی در جلوگیری از روند روبه‌افزایش آسیب‌ها و نیز تدوین برنامه‌های مدیریتی، کاربرد فراوان خواهند داشت. هر چند پرداختن به این موضوع، خود نیازمند فرصت و موقعیتی دیگر است.

### پی‌نوشت

- ۱- برای اطلاعات بیشتر در مورد اشارات تاریخی نک: حمیدرضا جیحانی و سید محمدعلی عمرانی، باغ فین، ص ۷۳-۳۵.
- ۲- برای اطلاعات بیشتر در مورد بستر شکلگیری باغ نک: حمیدرضا جیحانی و سید محمدعلی عمرانی، باغ فین، ص ۹۶-۷۹.
- 3- Townscape
- ۴- مقصود «تصویر شهر» است که به واسطه ترجمه کتاب *The Image of the City* اثر کوین لینچ به فارسی که توسط منوچهر مزینی صورت گرفته است، به صورت اصطلاح «سیمای شهر» در ادبیات شهرسازی در زبان فارسی رواج یافته است. برای اطلاعات بیشتر در مورد بار معنایی هر دو اصطلاح نک: جهان‌شاه پاکزاد، سیمای شهر، آنچه کوین لینچ از آن می‌فهمید.
- 5- Edmund Bacon
- 6- Design of the Cities
- 7- Meeting the Sky
- 8- Meeting the Ground
- 9- Points
- 10- Planes
- 11- Descent and Ascent
- 12- Convexity and Concavity
- 13- Intricacy
- 14- Bluntness
- ۱۵- برای اطلاعات بیشتر نک: گوردون کالن، گزیده منظر شهر.
- 16- Paul D. Spreiregen
- 17- Urban Desin: The Architecture of Towns and Cities
- ۱۸- برخی فعالیت‌ها در این زمینه صورت گرفته است که قابل توجه می‌باشند. از جمله می‌توان به طرح پژوهشی «تبیین عوامل مؤثر در سازماندهی سیمای شهری» اشاره کرد که به سفارش مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری وزارت مسکن و شهرسازی و توسط سید امیر سعید محمودی در سال ۱۳۸۵ انجام گرفته است. در همین زمینه نک: سید امیر سعید محمودی، منظر شهری، مروری بر چند نظریه.
- ۱۹- برای اطلاعات بیشتر نک: حسن نراقی، آثار تاریخی شهرستان‌های کاشان و نطنز
- 20- Roman Ghirshman
- ۲۱- برای اطلاعات بیشتر نک: مریم رضاییپور، پایان‌نامه کارشناسی ارشد طراحی محیط تحت عنوان: احیاء و باززنده‌سازی باغ کهنه فین و طراحی مسیر باغ کهنه تا باغ فعلی.
- 22- Xavier Pascal Coste
- ۲۳- این تقسیم‌بندی بر اساس مطالعات پیشتر معرفی شده سید امیر سعید محمودی در مورد اسپریرگن انجام پذیرفته است. نک: سید امیر سعید محمودی، منظر شهری، مروری بر چند نظریه.





- 24- General overall shape
- 25- Size and Density
- 26- Pattern, Grain and Texture
- 27- Intrusions

۲۸- باید در نظر داشت که معیارهای برشمرده شده توسط اسپرایرگن، صرفاً برای مطالعه منظر شهر نیستند و آن گونه که از عنوان کتاب وی و فصل مورد استفاده برمی آید، معیارهای پرشماری که وی مورد اشاره قرار می دهد ناظر بر مطالعه طرح شهر و پیمایش بصری آن می باشند. برای اطلاعات بیشتر نک: Paul D. Spreiregen, Urban Design: The Architecture of Towns and Cities و به ویژه نک: فصل سوم کتاب مذکور را تحت عنوان: Making a Visual Survey, ۴۹-۶۶.

#### 29- Kevin Lynch

۳۰- همچنین نک: Kevin Lynch, The Image of the City, chapters: 1 and 3.

- 31- Picturesque
- 32- Garrett
- 33- Unity
- 34- Diversity
- 35- Genius Loci
- 36- Nearness
- 37- Enclosure
- 38- Similarity

#### منابع

- بل، سایمون (۲۰۰۴). عناصر طراحی بصری معماری منظر، ترجمه محمد احمدی نژاد، اصفهان: نشر خاک.
- پاکزاد، جهانشاه (۱۳۸۵). سیمای شهر؛ آنچه کوین لینچ از آن می فهمید، آبادی، دوره جدید/سال شانزدهم، شماره ۵۳، ۵۴-۶۱.
- تتوی، احمد و قزوینی، آصف خان (۱۳۷۸). تاریخ الفی: تاریخ ایران و کشورهای همسایه در سال های ۹۸۴-۸۵۰ ه.ق، تصحیح علی آل داود، تهران: فکرروز.
- جیحانی، حمیدرضا و رضایی پور، مریم (۱۳۸۸). مطالعه و شناخت آسیب های باغ فین-کاشان، مقدمه ای برای تعریف برنامه های آسیب شناسی باغ های تاریخی، نامه پژوهشگاه (پژوهشگاه میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری)، شماره ۲۶ و ۲۷، ص ۵۵-۹۲.
- جیحانی، حمیدرضا و عمرانی، سیدمحمدعلی (۱۳۸۶). باغ فین، تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری.
- حسنعلیان، داود، (۱۳۸۱)، "مقاله پیوست نشریه گزارش ماه" (نشریه داخلی سازمان میراث فرهنگی کشور)، گزارش ماه، شماره ۲۳، (صفحات میانی) ۲۲۳.
- رازی، احمدامین (۱۳۴۰). هفت اقلیم، تصحیح جواد فاضل، تهران: ادبیه.
- رضایی پور، مریم (۱۳۸۸). پایان نامه کارشناسی ارشد طراحی محیط تحت عنوان: احیاء و باززنده سازی باغ کهنه فین و طراحی مسیر باغ کهنه تا باغ فعلی، با راهنمایی هما ایرانی بهبهانی، دانشگاه تهران، تهران.
- نوربرگ شولتز، کریستین (۱۳۸۸). روح مکان، ترجمه محمدرضا شیرازی، تهران: رخ داد نو.
- شیروانی، زین العابدین (بی تا). بستان السیاحه، تهران: کتاب فروشی سنایی و محمودی.
- کلانتر ضرابی، عبدالرحیم کلانتر (سهیل کاشانی) (۱۳۷۸). تاریخ کاشان، به کوشش ایرج افشار، تهران: امیرکبیر.
- قمی، حسن بن محمد (۱۳۸۱). تاریخ قم، تصحیح جلال الدین تهرانی، تهران: توس.
- کالن، گوردون (۱۳۸۲). گزیده منظر شهر، ترجمه دکتر منوچهر طبیبیان، تهران: دانشگاه تهران.
- گیرشمن، رومن (۱۳۷۹). سیلک کاشان، ترجمه اصغر کریمی، تهران: سازمان میراث فرهنگی.
- لینچ، کوین (۱۳۸۵). سیمای شهر، ترجمه دکتر منوچهر مزینی، تهران: دانشگاه تهران.



- محمودی، سیدامیرسعید (۱۳۸۵). «منظر شهری، مروری بر چند نظریه»، آبادی، دوره جدید/سال شانزدهم، شماره ۵۳، ۶۱-۵۴.
- نراقی، حسن (۱۳۷۴). آثار تاریخی شهرستان‌های کاشان و نطنز، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- واله اصفهانی، محمدیوسف (۱۳۷۹). خلد برین، به کوشش میرهاشم محدث، تهران: میراث مکتوب.

- Bacon, E. (1976). **Design of the Cities**, New York: Penguin Books.
- Spreiregen, P.(1965). **Urban Design: The Architecture of Towns and Cities**, New York: McGraw-Hill.
- Lynch, K. (1992). **The Image of the City**, The MIT Press, Massachusetts: Cambridge.